

نقد نگرش‌های حداقلی در فقه سیاسی

سیدسجاد ایزدهی

(استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

www.ketab.ir



نقد نگرش‌های حداقلی در فقه سیاسی

سیدسجاد ایزدهی

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
- سرپرست: محمدباقر انصاری
- چاپ: بخانه مؤسسه بوستان کتاب
- چاپ اول زمستان ۱۳۹۲
- شمارگان: ۴۰۰
- قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال
- عنوان: ۲۶۵ مسلسل: ۲۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائییه)، کوچه آمل، پلاک ۴۲

تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳؛ ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸ کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹

مراکز پخش: ۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۸۴۲۸۳۴

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب دانشگاه تهران، پست‌باکس فرزنده

طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴

وب سایت: www.pub.isca.ac.ir؛ پست الکترونیک: nashr@isca.ac.ir

سرشناسه:	ایزدهی، سیدسجاد، ۱۳۴۹-
عنوان نام‌پدیدآور:	نقد نگرش‌های حداقلی در فقه سیاسی / سیدسجاد ایزدهی؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
مشخصات نشر:	قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری:	۳۷۶ ص.
شابک:	۲۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۳۲۳] - ۳۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت:	نمایه
موضوع:	علوم سیاسی (فقه)
شناسه افزوده:	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۲ ۸۱۹/۶/ف-ب ۱۹۸/۶ BP
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی ملی:	۳۳۲۲۷۵۵

فهرست مطالب

۱۳	سخنی با خواننده
۱۷	مقدمه
بخش اول: کلیات	
۲۵	گفتار اول: مفاهیم
۲۶	۱. فقه سیاسی
۳۱	فقه
۳۵	سیاست
۴۰	گستره حداکثری فقه سیاسی
۴۴	۲. فقه حکومتی
۴۸	۳. فقه سیاسی حداقلی
۴۹	الف) فقه سیاسی بسیار محدود (فردمحور و مکلف‌مدار)
۵۲	ب) فقه سیاسی محدود (جامعه‌مدار و غیرحکومتی)
۵۵	۴. فقه سیاسی حداکثری
۶۳	فقه سیاسی مطلوب

- ۶۴ ملاک‌های فقه حداکثری
- ۶۷ ۵. حسبه
- ۶۸ الف) معنای اصطلاحی
- ۷۲ ب) مصادیق حسبه
- ۷۴ ج) حسبه و نظام سیاسی
- ۷۷ گفتار دوم: ارزیخچه تحول فقه سیاسی
- ۷۹ ۱. مکتب محدثان: قم و ری
- ۸۱ ۲. مکتب شیخ فاضل و شیخ طوسی
- ۸۵ ۳. محقق کرکی
- ۸۷ ۴. مکتب اخباری‌ها
- ۹۱ ۵. مکتب وحید بهبهانی
- ۹۷ ۶. مکتب نائینی (دوره مشروطه)
- ۹۸ الف) اصل مشارکت مردم در حکومت
- ۹۸ ب) اصل اعتماد به رأی اکثریت
- ۹۹ ج) اصل تفکیک قوا
- ۹۹ د) مجلس شورای ملی
- ۱۰۰ ۷. مکتب امام خمینی

بخش دوم: مبانی و شاخص‌های فقه سیاسی حداکثری

- ۱۰۵ گفتار اول: مبانی فقه سیاسی حداکثری
- ۱۰۶ قلمرو دین
- ۱۱۱ ۳. مبانی فقه سیاسی

۱. جاودانگی ۱۱۱
- الف) خاتمیت ۱۱۱
- ب) اطلاعات آزمانی ۱۱۵
۲. جهان شمولی ۱۱۷
۳. جامعیت شریعت ۱۲۰
- الف) منابع فقه ۱۲۲
- آیات قرآن ۱۲۲
- روایات ۱۲۶
- ب) فقه ۱۳۱
- جامعیت احکام اسلام ۱۳۱
- اول: ملات حکمتی (خمس) ۱۳۴
- دوم: احکام دفاعی ۱۳۷
- سوم: احکام جزائی ۱۳۸
- ج) سیره ۱۴۰
- د) دلیل عقل ۱۴۱
- گفتار دوم: شاخص های فقه حداکثری ۱۴۸
۱. روش استنباط ۱۴۸
- راهکارهای تحول در روش اجتهاد ۱۵۳
۱. توجه به نقش زمان و مکان ۱۵۳
۲. مصلحت ۱۵۸
۳. نوع نگرش به اصول فقه ۱۶۲
۲. منابع استنباط ۱۶۵

- الف) قرآن ۱۶۶
- ب) عقل ۱۶۸

بخش سوم: عوامل رویکرد حداقلی به فقه

۱. عوامل بیرونی رویکرد حداقلی ۱۸۰
- الف) متقاضی رعایت تقیه ۱۸۰
- ب) راتبیت بودن و عدم رسمیت مذهب شیعه ۱۸۴
- ج) انتظار حکومت موقت و عدم احتمال طولانی شدن غیبت ۱۸۹
- د) ناامیدی از تشکیل حکومت ۱۹۲
- ه) عدم پرسش حکومت‌ها از فقیهان ۱۹۳
- و) رواج تفکر جدایی دین از سیاست ۱۹۵
۲. عوامل درونی رویکرد حداقلی ۲۰۰
- الف) غایت اجتهاد ۲۰۰
- ب) رویکرد اجتهاد ۲۱۱

بخش چهارم: دیدگاه‌های فقه سیاسی حداقلی

۱. روایت محوری ۲۱۳
- الف) مکتب اهل حدیث ۲۱۴
- نقد و بررسی ۲۱۶
- ب) اخباری‌گری ۲۱۸
- زمینه ظهور اخباری‌گری ۲۲۰
- الف) اخباری‌گری ۲۲۱

۲۲۲	دوم: عقل‌گریزی اهل سنت
۲۲۳	سوم: زمینه سیاسی
۲۲۵	منابع فقه اخباری
۲۲۶	اخباریون و عقل
۲۳۰	تمایز اخباری و اصولی
۲۳۱	نتیجه سیاسی
۲۳۳	رویکرد سیاسی اخباریون
۲۳۷	رویکرد سیاسی اخباریون معتدل
۲۳۹	تقدیر و بررسی
۲۴۴	ج) مکتب تفکیک
۲۴۷	تقدیر و بررسی
۲۴۸	انجمن حجتیه
۲۴۹	مواضع انجمن حجتیه
۲۴۹	۱. مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی
۲۵۰	۲. اعتقاد نداشتن به ولایت فقیه
۲۵۱	۳. جدایی دیانت از سیاست
۲۵۴	۲. ولایت حسبه
۲۵۵	الف) جواز تصرف در امور حسبه
۲۶۰	تقدیر و بررسی
۲۶۴	ب) ولایت در حسبه
۲۶۶	ولایت در حد محدود
۲۷۳	ولایت در گستره کمتر از سلطه سیاسی

- ۲۷۴ ولایت در شریعات، سلطنت در عرفیات
- ۲۷۵ میرزای قمی
- ۲۷۶ سیدجعفر کشفی
- ۲۷۷ شیخ فضل‌الله نوری
- ۲۷۹ آیت‌الله اراکی
- ۲۸۱ نقد و بررسی
- ۲۹۱ (ج) ولایت حسبیه و نظام سیاسی
- ۲۹۲ آیت‌الله تبریزی
- ۲۹۴ آیت‌الله مازنی
- ۳۰۰ نقد و بررسی
- ۳۰۵ (د) حسبیه در لسان قائلان - روایت فقیه
- ۳۰۵ ملااحمد نراقی
- ۳۰۷ امام خمینی
- ۳۰۹ ۲. ولایت عامه فقیه
- ۳۰۹ الف) ابتدای این دیدگاه بر روایات
- ۳۱۲ ب) تعمیم ولایت به همه حوزه‌های اجتماعی - سیاسی
- ۳۱۵ ج) گستره وسیع نفوذ فقه سیاسی در شئون زندگی
- ۳۱۹ د) توانایی نظام فقهی در اداره نظام سیاسی و سرپرستی فقیه جامع‌الشرایط
- ۳۲۰ ه) رایج‌ترین دیدگاه در میان فقیهان شیعه در حوزه فقه سیاسی و حاکمیت دینی
- ۳۲۲ نقد و بررسی
- ۳۲۷ تحدید مالکیت خصوصی
- ۳۲۸ حکم حکومتی

۳۲۸	اختیار فقیه در عفو مجرمان
۳۲۹	کنترل موالید
۳۳۲	قرائت‌های دیگر فقه حد اقلی
۳۳۲	۱. نظارت فقیه
۳۳۳	نقد و بررسی
۳۳۵	۲. منطقه الفراغ
۳۳۷	نقد و بررسی
۳۳۹	نتیجه‌گیری
۳۴۳	کتاب‌نامه
۳۵۷	آیات
۳۵۸	اعلام
۳۶۳	اصطلاحات
۳۷۳	کتاب‌ها
۳۷۵	مکان‌ها

سخنی با خواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی بود. این ایده در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی-ملی و حیات سیاسی-اجتماعی ایرانیان، و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت‌آزسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر است. ترسیم هویت دینی-ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی است که در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم پایه اگر علمی با آن به‌طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و معضلات بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روش‌مند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی، بسی سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را بر عهده دارند و از سوی دیگر، به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به‌عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بازتولید فرهنگ سیاسی - دینی و ارائه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین اهداف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی از یک‌سایه‌های فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و اراده ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهشگر فرهیخته آقای سید سجاد ایزدهی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با هدف نقد نگرش‌های حدّ اقلی به فقه سیاسی و تبیین ظرفیت حدّ اکثری فقه در استنباط احکام شرعی ناظر به زندگی سیاسی و تنظیم و تدبیر آن است.

بی‌تردید اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیران تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه فقه سیاسی آقای دکتر منصور میراحمدی، ناظر محرم حجة الاسلام والمسلمین آقای محسن مهاجرنیا، ارزیابان محترم آقایان حجة الاسلام والمسلمین علی اصغر نصرتی و حجة الاسلام والمسلمین رضا اسلامی، مدیر محترم امور پژوهشی آقای رجیعی اسفندیار و کارشناس محترم پژوهش گروه آقای محمود فلاح و متصدیان اجرایی پژوهشکده می‌باشد که جای دارد از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی به‌عمل آید. هم‌چنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حسین توسلی تشکر می‌کنم که بدون حمایت‌ها و مساعدت‌های ایشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، در راستای ترویج و گسترش علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده، پیشاپیش از انتقادهای و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب نظران و پژوهشگران محترم استقبال می کند. امید است این فعالیتها موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی-دینی و زمینه های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

www.ketab.ir

مقدمه

فقه شیعه از تاریخ پیدایش تا زمان حاضر که فاصله‌ای بیش از هزار سال را از سرگذرانده، شاهد تحولات بسیاری بوده و مکاتب بسیاری را در خود پرورانده است. این فقه که در طول این سالیان دراز، هویت خود را در مقابل مکاتب فقها و حقوقی دیگر حفظ کرد و پاسخگویی پرسش‌های زمانه خود در زمینه‌های مختلف بوده، به موازات رشد دانش و مسائل جدید، تحول یافته و در طول زمان بر حجم مسائل خود افزوده است؛ به گونه‌ای که حجم کتب نگارش یافته در سده‌های آغازین تدوین فقه شیعه با حجم کتبی که در سده‌های اخیر در حوزه فقه نگاشته می‌شود، قابل قیاس نیست. این تحولات تنها در کمیت مسائل و مقدار حجم کتب فقهی نبوده، بلکه مهم‌تر از آن، شیوه‌های اجتهاد نیز در طول این سال‌ها (در عین وفاداری بر عنصر اجتهاد از ادله معتبره) متحول شده است و می‌توان این‌گونه ادعا کرد که تحول در حجم مسائل و پاسخگوبودن فقیهان به مسائل هر عصر تنها در سایه تحول در روش اجتهادی‌شان میسر بوده است و این امر با وجود بساطت و سادگی مبانی اجتهادی در ادوار سابق غیر ممکن می‌نماید.

تحول فقه در طول سال‌های متمادی برای پاسخگویی به مسائل هر زمان و مکان، زائیده این معناست که در مبانی فقه شریعت اسلامی و به صورت خاص، قدرت پاسخگویی به مسائل تار و زیارت، مفروض انگاشته شده است؛ به گونه‌ای

که فقیهان قادر خواهند بود مطابق با منطق خاتمیت و جاودانگی شریعت اسلامی، تا روز قیامت، در فرایند پاسخگویی به مسائل، از بطن و متن منابع فقهی، بر روزآمد بودن فقه تأکید کنند و پاسخگویی آن در خصوص حوادث واقعه را به اثبات برسانند.

مبانی فقه شیعه بر سه امتداد گسترده برای فقه تأکید کرده‌اند؛ به گونه‌ای که علاوه بر گستره وسیع زمانی که دایره فقه را تا روز قیامت امتداد می‌دهد، بر گستره مکانی آن نسبت به همه جوامع و افراد (اعم از کافر، مسلمان، کتابی شیعه و سنی) نیز می‌توان تأکید کرد. مطابق این معنا رسالت دین اسلام برای هدایت همه مردم بوده است و آموزه‌ها، آن یک، بوی جهان شمول دارد. از سوی دیگر، فقه شیعه به جهت خاصی از زندگی اکتفا ندارد و بر تعمیم خود نسبت به همه شئون زندگی (اعم از فردی و اجتماعی، خصوصی و عمومی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی) تأکید کرده است. تأکید بر گستره را کبر فقه شیعه نسبت به سه جهت اصلی مسائل و مباحث جامعه، از آن فقهی متمایز و ممتاز ساخته است؛ از این رو هیچ‌گاه فقیهان از پاسخ به پرسش‌های زمانه شانه خالی نمی‌کردند و خود را ملزم به پاسخگویی به مسائل جدید و حوادث واقعه می‌دانستند؛ بنابراین فقه شیعه در همه ادوار و زمان‌ها به مسائل مورد ابتلای جامعه خود پاسخ می‌داد، بلکه چنان‌که تاریخ علم فقه گواهی می‌دهد، به همان نسبت که دامنه مسائل و مشکلات جامعه توسعه می‌یافت، بر ابواب و مسائل فقهی نیز افزوده شده است.

«مطالعه و تتبع در کتب فقهیه در دوره ما و قرون مختلف می‌رساند که تدریجاً بر حسب احتیاجات مردم مسائل جدیدی وارد فقه شد و فقها در مقام جوابگویی برآمده‌اند و به همین جهت تدریجاً بر حجم فقه افزوده شد.»^۱

تحول در دانش فقه به گونه‌ای بوده است که می‌توان فقه را فرزند زمانه خویش دانست؛ زیرا فقیهان با عنایت به مشکلات و معضلات زمانه خویش به حل مسائل پیش روی خود می‌پرداختند و به پرسش‌های شیعیان در این خصوص پاسخ می‌گفتند و در این زمینه هر چه جوامع از بساطت و توسعه‌نیافتگی فاصله می‌گرفت و دارای پیچیدگی می‌شد و به همین نسبت سطح انتظارات از حوزه فقه و فقاہت بالا می‌رفت، فقه شیعه نیز با تحول مواجه گشت و در سه حوزه تعداد مسائل، عمق مباحث و پیچیدگی و سازمان‌یافتگی بیشتر در روش، به پیشرفت و توسعه انجامید. نظری ابتدایی به ادوار فقه شیعه و مباحث مطرح‌شده فقیهان و تحول در روش‌های اجتهاد بر این مدعا مهر تأیید می‌زند. گرچه روند رشد و توسعه و تحول در دانش فقه شیعه در طول زمان‌های مختلف یکسان نبوده و گاهی با تندی و گاهی با کندی پیش می‌رفت. در عین حال، تاریخ فقه شیعه شاهد گسستی در این خصوص نبوده است.

با وجود تحولات شگرفی که فقه شیعه در طول زمان حیات خود شاهد آن بوده است، موانعی نیز در طول این ایام برای به‌فعلیت رسیدن ملاحظاتی‌های فقه شیعه وجود داشته است و مطابق با این موانع و شرایط، فقه شیعه نتوانست از همه ظرفیت‌های خود استفاده کند و نسبت به همه جوانب و شئون جامع به فعلیت برسد؛ از همین روی مشاهده می‌کنیم اکثر ظرفیت فقه و فقیهان شیعه به پاسخگویی به ظرفیت‌های فردی افراد مؤمن اختصاص یافته و مسائل عبادی و احوالات شخصیه، بیشترین حجم مسائل را به خود معطوف داشته است. به همین تناسب در کتاب‌های فقهی به مباحث حکومت دینی، نظام اجتماعی و سیاسی کمتر پرداخته شده است. این در حالی است که در آموزه‌های دین و شریعت مباحث بسیاری در این خصوص وجود دارد؛ البته نپرداختن فقیهان به این مسائل

در گرو تقصیر و یا قصور آنان نیست، بلکه زیشه در عوامل و شرایطی دارد که در اکثر زمان عصر غیبت بر جامعه اسلامی حکمفرما بود. اموراتی از قبیل اقلیت افراد شیعه در میان جمعیت وسیع اهل سنت، رسمیت نداشتن مذهب شیعه در کشور و جامعه‌ای خاص، حاکمیت سلاطین غیر شیعی بر امور جامعه، تقیه فقیهان در برابر حاکمان غیر شیعی، بر نتابیدن بحث حکومت و حاکمیت شیعه از سوی حاکمان جائز، برخی از عوامل و شرایطی بودند که فقیهان شیعه، بر اساس آن قادر به بحث از مباحث سیاسی و حکومتی فقه شیعه نبودند و اگر نامی از ولایت فقیه و اختیارات وی در فقه شیعه میان می‌آمد، به قدری متفرق و پنهان و در ذیل مباحث متفرقه در کتب فقه بود که هنوز و نشان عیانی در فقه نداشت؛ از همین روی در زمانی که مذهب شیعه در کشور ایران حاکمیت سلاطین صفوی به رسمیت رسید و حاکمان شیعه مذهب بر امور کشور تسلط داشتند، جمعیت شیعه رو به فزونی نهاد و شرایط تقیه از حاکمان سنی به پایان رسید و فقیهان شیعه مباحث سیاسی و حکومتی خود در قالب ولایت فقیه را به صورت عیان در کتب فقهی خویش عرضه و نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت را ارائه کردند. مباحثی را نیز که فقیهان در زمان مشروطه در پاسخ به شرایط و پرسش‌های زمانه عرضه کردند (که با اختلافاتی نیز همراه بود)، می‌توان در جهت پاسخگویی فقه شیعه به پرسش‌های عصر و زمانه خود ارزیابی کرد.

در همین زمینه، در حالی که مباحث سیاسی فقه در سالیان دراز عصر غیبت در قالب مباحثی اندک و در ذیل فقه فردی خلاصه می‌شد، در سال‌های اخیر رنگ و بوی شدیدتری یافت و ضمن اینکه از وضوح بیشتری برخوردار شد، قالب اجتماعی و جمعی نیز پیدا کرد؛ ولی این فرایند در سال‌های اخیر که تحولات

نگاه فقه شیعه در عصر مشروطیت و مباحث سیاسی فقه شیعه در دوران مسلمانان و

موضوعات جدید انجامیده است (به گونه‌ای که یافته‌های علمی بشر در سال‌های اخیر معادل، بلکه بیشتر از تمام چیزهایی که در طول تاریخ علم ایجاد شده، فرض شده است)، قدری با کندی مواجه شده است و موانعی جدید بر سر راه خود می‌بیند.

با وقوع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و امکان پیدایش نظامی بر اساس آموزه‌های اسلامی و عرضه بسیاری از مباحث جدید فقه سیاسی در کتب استدلالی فقیهان شیعه، بسیاری از موانع ذهنی و عینی از مقابل عرضه مباحث حداکثری فقه سیاسی و طرح و بحث همه مسائل جدید فقه سیاسی برداشته شده است؛ اما با وجود نیاز شدید حکومت دینی و جامعه سیاسی به پاسخ به پرسش‌های متعدد در حوزه فقه، بحث از این مسائل رونق چندانی در حوزه فقه استدلالی نداشته و به جریانی عمومی تبدیل نشده است؛ به گونه‌ای که همچنان بیشتر مباحث فقهی فقیهان عصر حاضر به موضوعات فردی اختصاص دارد و مباحث اساسی حوزه سیاسی و اجتماع در حوزه فقه سیاسی را شورای نگهبان و برخی افراد خاص از اصحاب فقه طرح می‌کنند.

تحقیق فوق در صدد است با عنایت به مبانی فقه شیعه و آموزه‌های آن، ضمن اثبات گستره فراگیری فقه شیعه در سه بُعد «جاودانگی»، «فرامکانی» و «تعمیم نسبت به همه شئون زندگی بشری»، دیدگاه‌های متفاوت در حوزه فقه سیاسی و نگرش‌های مختلف آن را بررسی کند. آنچه در این تحقیق محور و ملاک محسوب می‌شود، استفاده حداکثری از فقه برای استنباط از مسائل سیاسی و حکومتی و پاسخگویی به نیازهای فرد و جامعه به منظور هدایت جامعه کلان به سمت و سوی غایات اسلامی است. طبیعی است در این میان مکتب فقهی امام خمینی - به عنوان معمار انقلابی که بر مبانی فقهی بنا نهاده شده است و در همه مسائل خود به فقه

شیعه عنایت دارد - محور قرار خواهد گرفت؛ زیرا بر اساس نگرش امام خمینی، مقوله فقه دارای ارتباط وثیق و محکمی با حکومت است؛ به گونه‌ای که حکومت فلسفه عملی فقه خوانده شده و نظریه اداره جامعه در همه شئون و موارد اعلام شده است:

حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کنند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد.^۱ قرائت‌های مختلفی که در این حقیقت ررسی و نقد می‌شوند، دیدگاه‌هایی هستند که از تمام ظرفیت‌های فقه به جهت پاسخگویی به مسائل جامعه استفاده نکرده و تنها به بخشی از آن اکتفا کرده‌اند. در میان این گروه‌ها برخی از اساس، اعتقادی به این ظرفیت وسیع نداشته و گستره فراخ آن را انکار کرده‌اند و برخی دیگر ضمن پذیرش مقولاتی، چون حکومت در عرصه فقه، به حداقل و قدر متیقن اکتفا نموده‌اند.

برخی از قائلان فقه حداقلی کسانی هستند که ظرفیت بیشتر از این مقدار را انکار کردند و برخی دیگر علل و عواملی خاص را علت این امر دانستند و عملاً در زمره کسانی قرار گرفتند که دین را از حوزه سیاست جدا دانستند و به سکولاریسم

۱. روح‌الله خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۹۰.

عملی مبتلا شدند. دیدگاه‌هایی که در این خصوص مورد نقد واقع می‌شوند، به اختصار عبارت‌اند از:

۱. قرائت حداقلی از فقه که سیاست و حکومت را در فقه بر نمی‌تابد و ضمن تفکیک حوزه سیاست و دین از یکدیگر در عصر غیبت، بر رسیدگی فقیهان شیعه به امور فردی افراد مؤمن تأکید کرده و با مطلوب فرض کردن صبر، سکوت و انتظار به جهت فرارسیدن زمان حکومت امام زمان (عج)، تشکیل حکومت در عصر غیبت را حرام و از مصادیق حکومت طاغوت معرفی کرده است.

۲. دیدگاهی که گرچه حکومت دینی در عصر غیبت را از مصادیق طاغوت فرض نمی‌کند با قاصرانه ادله از بحث تشکیل حکومت، تنها به موارد ضروری و در قالب «سیاسی» اکتفا کرده است و با فرو گذاشتن بسیاری از مسائل اساسی و مورد نیاز جامعه، فقط امور «حکومتی» و ولایت بر غیبت و قصر را - تنها بدین علت که شارع متصدی خاصی برای آنها تعیین نکرده و در عین حال انجام دادن آن ضروری است - بر عهده حاکم شرع نهاده است.

۳. نگرشی که پای را از موارد فوق فراتر نهاده و ضمن پذیرش حاکمیت سیاسی فقیهان در عصر غیبت، امور جامعه را بر عهده حاکمان مشروع در قالب نظریه ولایت عامه فقیه نهاده است و بر پاسخگویی فقه شیعه به امور جامعه تأکید می‌ورزد؛ ولی آنچه این نگرش را در حوزه فقه حداقلی قرار می‌دهد این است که مطابق با این نگرش، حاکمیت شیعه در حوزه فروع فقهی شیعه حق اعمال حاکمیت دارد و در مواردی فراتر از فروع شریعت اسلامی، حق اعمال حاکمیت و اظهار نظر ندارد. مطابق این منطق، بسیاری از مباحث و مسائل نوپیدا از حوزه حاکمیت سیاسی خارج می‌شود و حاکمیت سیاسی در این موارد عملاً به تعطیلی می‌انجامد و این امر عملاً به نوعی عرفی‌انگاری و سکولاریسم منجر خواهد شد.